

عنوان مقاله:

جایگاه قاعده «نبذ» در فقه روابط بین الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی

محل انتشار:

فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره 9، شماره 28 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

ولی الله حیدر نژاد - دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق(ع)،

حسینعلی سعدی - دانشیار دانشکده معارف اسلامی و الهیات دانشگاه

خلاصه مقاله:

با عنایت به گسترش روابط بین الملل بین کشورها، امروزه حکومت‌های اسلامی ناگزیر به ارتباط و تعاملات با حکومت‌های اسلامی و غیراسلامی‌اند. از جمله مسائل مهم و چالش‌برانگیز، تبیین حدود و ثغور و میزان پابندی حکومت اسلامی به معاهدات بین‌المللی مطابق فقه روابط بین‌الملل است. فصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مستنبط از فقه و شریعت اسلامی، بر تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام و نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابرب تأکید نموده است، در همین زمینه حکومت اسلامی، به‌منظور حفظ منافع کشور و ارتباط فعال با دیگر دولت‌ها اعم از مسلمان و غیرمسلمان، معاهداتی را منعقد کند. پابندی و اصل وفای به عهد حتی در مقابل دول غیرمسلمان مادامی که به معاهده متعهدند، واجب و لازم است. لکن فقها مستفاد از آیه 58 سوره مبارکه انفال قاعده نبذ را در طول اعصار مختلف مورد استناد قرار داده‌اند که براساس آن به محض مشاهده نشانه‌ها و قرائن خیانت از سوی کفار به‌نحوی که لازم‌الاحتراز باشد و در مواردی که طرف مقابل تعهد، دست به توطئه‌هایی بزند که امارات نقض عهد آشکار شود، امام و رهبر حکومت اسلامی نسبت به نبذ عهد یعنی اعلام لغو پیمان و عدم تعهد به معاهده مبادرت می‌ورزد. عمل به مفاد این قاعده در صورت حصول شرایط مستند به کتاب و سنت، اجماع فریقین و دلالت عقلی واجب است. در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به شرح و تحلیل جایگاه قاعده فقهی «نبذ» در فقه روابط بین‌الملل پرداخته شده است.

کلمات کلیدی:

حکومت اسلامی، فقه روابط بین‌الملل قاعده نبذ، مقابله به مثل، هدنه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1160665>

